

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۱/۱۹

اجتهاد صحابه؛ در مقابل نص فرمایش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (3)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در فقه مقارن به موضوع نماز در سفر رسید. به دنبال بیان اینکه ترس در احکام الهی تأثیر دارد یا نه؛ آیه شریفه زیر را بیان کردیم؛

﴿وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾

و چون به سفر می‌روید و بیم آن دارید که کفار شما را گرفتار سازند گناهی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید، چون کفار دشمن آشکار شمايند.

سوره نساء (۴): آیه ۱۰۱

ما به دنبال بیان این آیه شریفه مباحث گوناگونی مطرح کردیم مبنی بر اینکه حکم نماز مسافر نزد اهل سنت و وهابیت به چه صورت است. همچنین عباراتی در مورد اینکه سنت الهی در سفر، قصر نماز است، اما اینها با سنت مخالفت دارند را بیان کردیم و روایتی با سند صحیح آوردیم مبنی بر اینکه عبدالله بن عمر گفت:

«من خالف السنة كفر»

مصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

١٤٠٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ٢، ص ٥١٩، ح ٤٢٨١

سپس به عبارت عایشه رسیدیم که از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روایاتی نقل می‌کند که صلاة در سفر قصر است. ولی از آن طرف می‌بینیم که عایشه نقل می‌کند که من با رسول اکرم در سفر حجة الوداع بودم و به ایشان گفتم: یا رسول الله! تو نماز را قصر خواندی و من تمام خواندم، تو روزه خود را افطار کردی ولی من روزه گرفتم!!

عایشه به صراحت اعتراف می‌کند که برخلاف سیره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل کرده است و آقایان اهل سنت هم در این موضوع حیران مانده‌اند که چکار کنند. «زهري» می‌گوید: به «عروه» خواهرزاده عایشه گفتم؛

«فما كان عملُ عائشةَ أنْ تُتِمَّ في السَّفَرِ وقد عَلِمَتْ أنَّ اللَّهَ تَعَالَى فرضها رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ»

نظر چیست در رابطه با عمل عایشه که در مسافرت نماز تمام می‌خواند با اینکه می‌دانست خداوند عالم نماز مسافر را دو رکعت دو رکعت واجب کرده است.

«قال تَأَوَّلْتُ من ذلك ما تَأَوَّلَ عُثْمَانُ من إِتْمَامِ الصَّلَاةِ بِمَنِيَّ»

عایشه همانند عثمان که اجتهاد کرد و در منی نمازش را تمام خواند، اجتهاد کرد.

المحلى، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق

الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربى، ج ٤، ص ٢٧٠، ح ٥١٢

برای ما که روشن نیست این مسئله چطور اجتهادی است، اگر دوستان به ذهنشان چیزی می‌رسد بیان کنند!!
خود او نقل می‌کند که پیغمبر اکرم نماز شکسته می‌خواندند و «زهری» هم عبارت «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرْضَهَا
رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ» را می‌آورد، اما ایشان می‌گویند اجتهاد کردم!!

ما عرض کردیم که اجتهاد یا باید مبنای قرآنی داشته باشد و یا مبنای روایی داشته باشد. در آن زمان که بحث
اجماع به شکلی که آقایان بعدها اجماع و قیاس را جزو مصادر تشریح آوردند، در کار نبود.

این موارد به نوعی از مصادیق بارز بازیچه و آلت دست قرار دادن شریعت است که آن‌ها به دلخواه خود انجام
دادند. این مسئله به معنای این است که من دلم می‌خواهد نماز را تمام بخوانم و دوست دارم با خدا بیشتر
حرف بزنم!!

در ماجرای شیطان خداوند متعال دستور می‌دهد که در برابر آدم سجده کن، اما شیطان می‌گوید: من تنها در
برابر تو سجده می‌کنم. سجده در برابر آدم شرک است و من حاضر نیستم چنین شرکی را بپذیرم. خداوند
متعال به شیطان می‌فرماید:

(فَأَخْرُجُ مِنْهَا فَائِكًا رَجِيمًا)

پس بیرون شو که تو از رانده شدگانی.

سوره حجر (۱۵): آیه ۳۴

در هر صورت آقای «عبدالرزاق صنعانی» روایتی دارد که روایت بسیار عجیبی است. این روایت شاید بیش از ۵۰
سند مختلف در مصادر متعدد اهل سنت دارد. در روایت وارد شده است:

«اعتل عثمان وهو بمنی»

«اعتل» به معنای این است که خود را به مریضی زد که در بعضی مصادر این روایت با عبارت «تمرص» وارد شده است. او نماز ظهر را خواند و گفت: به علی بن ابی طالب بگویند که من مریض هستم تا نماز عصر را او با مردم بخواند.

به عبارت دیگر عثمان قصد داشت تا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را وادار کند تا همانند خودش نماز چهار رکعتی بخواند. امیرالمؤمنین فرمود:

«إِنْ شِئْتُمْ صَلَّيْتُ لَكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى إِلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْنِي رَكَعَتَيْنِ»

اگر می خواهید من نماز بخوانم، من نماز پیغمبر اکرم را می خوانم. یعنی دو رکعتی!

«قالوا صلاة أمير المؤمنين يعنون أربعا»

مردم گفتند: نه، نمازی که امیرالمؤمنین عثمان خواند و چهار رکعت بود را بخوانید!

بینید قضیه بسیار واضح و روشن است که مراد بازی کردن با شریعت است.

«قال فأبى أن يصلى بهم»

الأمالی فی آثار الصحابة للحافظ الصنعانی، اسم المؤلف: عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: مكتبة

القرآن - القاهرة، تحقيق: مجدى السيد إبراهيم، ج ١، ص ٤٩، ح ٥٠

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند: من چنین کاری نمی کنم و برخلاف سنت پیغمبر اکرم نماز نمی خوانم.

همچنین «ابن حزم» هم همین عبارت را می آورد و می نویسد:

«اغْتَلَّ عُثْمَانُ وَهُوَ بِمِئَى فَأَتَى عَلِيَّ فَقِيلَ لَهُ صَلِّ بِالنَّاسِ فَقَالَ إِنْ شِئْتُمْ صَلَّيْتُ لَكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ يَعْنِي

رَكَعَتَيْنِ قَالُوا لَا إِلَّا صَلَاةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَعْنُونَ عُثْمَانَ أَرْبَعًا فَأَبَى عُثْمَانُ»

المحلى، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي، ج ٤، ص ٢٧٠، ح ٥١٢ مَسْأَلَةٌ - وَكُونُ الصَّلَوَاتِ

الْمَذْكُورَةَ فِي السَّفَرِ رَكَعَتَيْنِ فَرَضَ

حال ما نمی‌دانیم که عثمان از کجا کلمه «امیر المؤمنین» را دریافت کرده است!! «امیر المؤمنین» به معنای امیر مؤمنین به خدا و پیغمبر است. کسی که واقعاً امیر مؤمنین به خدا و پیغمبر باشد، دیگر باید به قول خدا و پیغمبر اکرم عمل کند. بنابراین معلوم می‌شود واژه «امیر المؤمنین» یدک کشیدن است.

همچنین آقای «ابن تیمیه» هم در کتاب «فتاوی» خود جلد ٢٤ صفحه ٩٥ همین عبارت را نقل می‌کند و در ادامه می‌گوید:

«وَفِي الصَّحِيحِينَ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ»

مجموع الفتاوى، المؤلف: تقى الدين أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة

النبوية، المملكة العربية السعودية، ج ٢٤، ص ٩٦، باب الخلاف فى الأربع

این هم یکی از دروغ‌های «ابن تیمیه» است. شما چنین روایتی در «صحیحین» پیدا نمی‌کنید و تنها می‌توانیم بگوییم که شاید در زمان «ابن تیمیه» این روایت در کتاب «صحیحین» بوده است و بعد این روایت را از کتاب «صحیحین» حذف کردند!!

«ابن تیمیه» از این روایت‌های دروغ زیاد دارد. او عبارات متعددی را می‌آورد و ادعا می‌کند که در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» وجود دارد، حال آنکه وجود ندارد و او همینطوری روی هوا حرف می‌زند!!

دوستان ما نزدیک صد مورد از روایات «ابن تیمیه» را جمع آوری کردند که ایشان عبارتی را به «صحیحین» نسبت می‌دهد، حال آنکه در «صحیحین» وجود ندارد.

نه تنها این روایات در «صحیحین» وجود ندارد، بلکه در کتاب «الجمع بین الصحیحین» اثر «جزری» که نزدیک ۱۰۰ سال قبل از «ابن تیمیه» بوده است، هم وجود ندارد و هیچکسی هم غیر از «ابن تیمیه» این روایات را نقل نکرده است.

اگر واقعاً این روایات در «صحیحین» بود باید علمای قبل از «ابن تیمیه» از جمله «ابن قدامه مقدسی»، «سرخسی» یا «نووی» هم این روایات را ذکر کنند، زیرا همگی قبل از «ابن تیمیه» بودند. ولی هیچکسی چنین روایتی را از کتاب «صحیحین» نقل نکرده است. بله، می‌گویند خدا را کنار بگذار و هرکاری می‌خواهی انجام بده!!

همچنین آقای «ابن حزم أندلسی» بحثی را مطرح می‌کند و می‌نویسد:

«فَإِذَا اخْتَلَفَ الصَّحَابَةُ فَالْوَجِبُ رَدُّ مَا تَنَازَعُوا فِيهِ إِلَى الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ»

این حرف، حرف درستی است، البته از دیدگاه اهل سنت! اما از دیدگاه ما آنچه ملاک است کتاب خدا و عترت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. صحابه مخالفت کنند یا موافقت کنند، نقش مهمی ندارد. آنچه برای ما ملاک است، همان حدیث شریف ثقلین است. که باید بنیم قرآن و عترت چه می‌گویند.

«ابن حزم» می‌نویسد:

«وَأَمَّا الْمَالِكِيُّونَ وَالْحَنَفِيُّونَ فَقَدْ تَنَاقَضُوا هَهُنَا أَفْبَحَ تَنَاقُضٍ لَأَنَّهُمْ إِذَا تَعَلَّقُوا بِقَوْلِ صَاحِبٍ وَخَالَفُوا رِوَايَتَهُ

قَالُوا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا رَوَى»

مالکیون و حنفیون اگر روایتی را از یک صحابی می‌بینند و عمل او را مشاهده می‌کنند که با روایت او مخالفت می‌کند، روایت صحابی را کنار می‌گذارند و تنها عمل او را ملاک قرار می‌دهند.

«وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَظَنَّ بِهِ أَنَّهُ خَالَفَ رَسُولَ اللَّهِ إِلَّا لِيَعْلَمَ كَانِ عِنْدَهُ رَأَهُ أَوْلَىٰ مِمَّا رَوَىٰ»

زمانی که یک صحابی روایتی را نقل می‌کند و خود او مخالفت می‌کند، معلوم می‌شود که در اینجا مطلبی بوده است که او با روایتش مخالفت کرده است.

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج ۴، ص ۲۷۱، ح ۵۱۲ مسألة - وَكُونُ الصَّلَوَاتِ الْمَذْكُورَةِ فِي السَّفَرِ رَكَعَتَيْنِ فَرَضُ

«ابن حزم» می‌گوید: نمی‌شود که یک صحابی روایتی از پیغمبر نقل کند و بعد خودش بدون جهت با قول پیغمبر اکرم مخالفت کند. بنابراین اهل سنت نباید خود را اهل سنت بنامند، بلکه باید بگویند ما اهل صحابه هستیم!! در حقیقت اهل سنت نباید کاری به سنت داشته باشند.

پرسش:

در اینجا اشکالی متوجه مراجع و علما هم می‌شود، زیرا آن‌ها در بعضی موارد با روایت صحیح مخالفت می‌کنند.

پاسخ:

نه اینگونه نیست که مراجع ما با روایت صحیح مخالفت کرده باشند. ببینید ما الآن در قرن چهاردهم هجری هستیم و می‌بینیم که فقهای ما در صدر اول تا قرن چهارم و پنجم همه به یک چیزی فتوا داده‌اند و ما هم قطعاً می‌دانیم که آن‌ها بدون روایت فتوا نمی‌دهند.

ما می‌گوییم: روایتی دست آن‌ها بوده است و طبق آن روایت فتوا دادند که آن روایات به دست ما نرسیده است. ملاک ما این است.

ما می‌گوئیم که آن روایات بر اثر گذر زمان از میان رفته است، زیرا تمام آثار شیعه را آتش زدند. کتابخانه «شیخ طوسی» که نزدیک ۲۴ هزار جلد کتاب در آن وجود داشت را آتش زدند و در پی این وقایع بسیاری از روایات از دست ما رفته است.

«شیخ مفید»، «شیخ طوسی»، «سید مرتضی»، و دیگران زمانی که فتوا می‌دهند، ما کشف می‌کنیم که آن‌ها روایاتی در اختیار داشتند که بر طبق آن روایات فتوا دادند. بنابراین زمانی که در اینجا قول آن‌ها را مقدم می‌کنیم به خاطر همین قضیه است.

ولی در اینجا وارد شده است که صحابی روایت دارد، اما خودش عملاً با روایتی که نقل کرده مخالفت کرده است!!

بنده در سالی که مکه بودم، در دانشگاه «أم القرى» با کتابی به نام «مخالفة الصحابی للحديث النبوی الشریف» اثر پروفیسور «عبدالکریم بن علی نمله» استاد بخش اصول فقه در دانشکده شریعت ریاض دانشگاه «محمد بن سعود» برخورد کردم و خریدم!

این کتاب، درباره بحث ما کتابی بسیار مفید است. من به دوستان توصیه می‌کنم حتماً این کتاب را مطالعه کنند. یکی از بحث‌هایی که ما باید در بخش صحابه داشته باشیم، همین است. صحابه‌ای که آقایان ادعا می‌کنند سنة الصحابه در عرض سنة النبوی است، همین مسئله است.

پرسش:

این کتاب در نرم افزارهای «شامله» و «جامع الکبیر» وجود دارد؟!

پاسخ:

بعید می‌دانم داشته باشند. «الجامع الکبیر» که قطعاً ندارد، اما نرم افزار «شامله» چون هر هفته کتاب اضافه می‌کند. نمی‌دانم این کتاب به نرم افزار «شامله» اضافه شده است یا نه، اما کتاب، کتاب زیبایی است و دید زیبایی به انسان می‌دهد.

به عنوان مثال در این کتاب عباراتی از «ابو هریره» آورده است که روایاتی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است و خودش هم مخالفت کرده است. او سپس در ادامه می‌گوید: ما قول «ابو هریره» را قبول کنیم یا فعل او را قبول کنیم؟!

بعد می‌گوید که حنفی‌ها چنین گفتند، مالکی‌ها چنین گفتند، شافعی‌ها چنین گفتند سپس خودش این اقوال را به زیبایی نقد می‌کند و سپس نظر فقهای که نظر دادند را تحلیل می‌کند.

اقوال فقها را نقد می‌کند. به عنوان مثال او بیان می‌کند که شافعی‌ها می‌گویند: "قول صحابه برای ما حجت است نه فعل صحابه"؛ بعد از او اشکالات این عقیده را برمی‌شمارد.

حنفی‌ها می‌گویند: "فعل صحابه برای ما حجت است" سپس اشکالات این عقیده را برمی‌شمارد، نقد می‌کند و در نهایت نظر خود را اعلام می‌کند.

اگر دوستان کتاب یا فایل این کتاب را تهیه کنند و طبق آن مباحثه کنند، در بحث و مناظره خیلی مفید است.

بنده بارها عرض کردم که اختلاف ما با اهل سنت اختلاف در امامت نیست، بلکه اختلاف اساسی ما بحث صحابه و اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر ما این اختلاف را حل کنیم، همه چیز حل خواهد شد.

باید این مسئله حل بشود که آیا بعد از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) مرجعیت علمی با صحابه است یا با اهل بیت (علیهم السلام) است؟! اگر ما ثابت کردیم که مرجعیت علمی با اهل بیت است همه چیز را باید از اهل بیت (علیهم السلام) بگیریم، زیرا اهل بیت، عدل قرآن کریم هستند.

ما به این واسطه می‌توانیم عصمت، امامت و رجعت ائمه (علیهم السلام) را ثابت کنیم. ما باید ببینیم قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) چه می‌فرمایند و به مابقی کاری نداریم.

اگر ما ده هزار ساعت هم روی موضوع صحابه کار کنیم، باز جای کار بیشتری در این زمینه وجود دارد. بنابراین عزیزان باید بتوانند در این زمینه خوب کار کنند.

بنده گمان نمی‌کنم که در زمینه صحابه کتابی مانده باشد که ما ندیده باشیم، اما بنده مشاهده نکردم که کسی حق مطلب را ادا کرده باشد. هرکسی از یک زاویه بحث کرده است.

جدیدترین کتابی که بنده مشاهده کردم که به صورت زیبا و علمی کار کرده است، اما قلم سنگینی دارد اثر «آیت الله العظمی شیخ محمد سند» است. ایشان کتابی در رابطه با صحابی دارد که کتاب خوبی است.

این کتاب به صورت زیبا بیان شده است، اما قلم سنگینی دارد. دوستان اگر وارد سایت‌ها می‌شوند یا در فضای مجازی می‌خواهند با اهل سنت و وهابیت بحث کنند، تلاش کنند بحث را به نوعی به طرف مسئله اهل بیت و صحابه بیاورند. در حقیقت اهل سنت دو نقطه ضعف اساسی دارند و از آن فرار می‌کنند؛

بحث اول این است که ما به بحث صحابه ورود پیدا کنیم. علی رغم سروصدای زیادی که در بحث صحابه می‌کنند، زمانی که حدیث حوض را مطرح کنیم، اینها داخل چاهی می‌افتند که راه نجاتی از آن ندارند.

اهل سنت حاضر نیستند به طرف صحابه بیایند و حدیث حوض را مطرح کنند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق این روایت می‌فرماید:

«إِنَّهُمْ اَزْتَدُّوا بِغَدِكَ عَلَى أَذْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى فَلَا أُرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ»

صحابه من را دسته دسته داخل جهنم می‌برند و جز تعداد اندکی از آتش جهنم خلاصی پیدا نمی‌کنند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص

٢٤٠٧، ح ٦٢١٥

دوستان سند این روایت را خوب حفظ کنند، زیرا این روایت تیر خلاصی است. آقایان اهل سنت به طلبه‌های خود می‌آموزند زمانی که با شیعیان بحث می‌کنید وارد بحث حدیث حوض نشوید، زیرا به قدری عمیق است که هرچه دست و پا بزنند بیشتر غرق می‌شوند!!

پرسش:

اهل سنت نسبت به این روایت توضیح یا تفصیلی ارائه نکردند؟!

پاسخ:

هیچ کاری نتوانستند انجام بدهند. نهایت کاری که «ابن کثیر» و دیگران انجام دادند، این است که ادعا کردند این روایت مربوط به اصحاب رده است. همان افرادی که با ابوبکر جنگ کردند.

اصحاب رده کمی بودند، اما نبی مکرم در این روایت می‌فرمایند که همه صحابه من به طرف آتش جهنم می‌روند و جز عده اندکی از آتش بیرون نمی‌آیند.

البته نسبت به مسئله «اصحاب رده» هم بحث وجود دارد، زیرا اهل سنت معتقدند که همه صحابه عدول هستند.

چطور اصحاب رده‌ای که از صحابه بودند در برابر ابوبکر قیام کردند و قتلشان واجب شد؟!

اصحاب رده به معنای اصحاب مرتدین است که خود نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد. آقایان جرئت نمی‌کنند روی بحث حدیث حوض ورود پیدا کنند، زیرا اگر وارد شوند آمدنشان همان و غرق شدنشان همان!! بنابراین آقایان حساس هستند که به این قضیه ورود پیدا نکنند.

البته بعضی افراد معتقدند که مراد از عبارت «اصحابی» در روایت حوض، اصحاب امت است. در بعضی اصطلاحات وارد شده است که مراد از اصحاب به معنای امت است. مثلاً شیعیان و رافضی‌ها باشند که بعداً از اسلام بیرون رفتند!! حال آنکه در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» چندین روایت خطاب به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است:

«إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتُهُمْ»

یا رسول الله! همان لحظه‌ای که شما از آن‌ها جدا شدید آن‌ها مرتد شدند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص

۱۲۲۲، ح ۳۱۷۱

جالب این است که «ابن اثیر» در کتاب «غریب الحدیث» خود می‌گوید: "مراد از ارتداد، ارتداد در برابر اسلام نیست. مراد از ارتداد، ترک اهم واجبات دینی است."

«حاج آقای سبحانی» هم همین مسئله را ملاک قرار داده است و می‌گوید: "ما هم همین را می‌گوییم و نمی‌گوییم این افراد مرتد شدند. این افراد اهم واجبات دینی که عبارت از امامت باشد را ترک کردند."

البته اهم واجبات دینی را با رفتن در آتش جهنم باید کنار هم قرار بدهیم تا مشخص شود که ترک کردن واجبات دینی موجب سقوط این افراد و رفتن در آتش جهنم شده است.

بنابراین یک سری بحث‌های کلیدی وجود دارد که باید این مباحث را خوب حفظ کنیم. بهترین راه و توصیه من به دوستان این است که وارد فضای مجازی و گروه‌هایی که وهابیت و اهل سنت راه انداختند، شوند.

اهل سنت ایران در تلگرام یک کانال و یک گروه دارند و عکس پرچم خودشان را هم روی آن قرار دادند. البته در این گروه اگر حرف تندی بزنید، بلافاصله شما را برای همیشه بیرون می‌اندازند و نمی‌توانید وارد شوید.

تلگرام طوری است که شما اگر از گروهی حذف شدید به هیچ عنوان نمی‌توانید وارد شوید، مگر اینکه شما با یک آی دی دیگر یا یک دستگاه دیگر وارد شوید.

تقریباً در داخل کشور ما هر اهل سنتی که نام و آوازه‌ای دارد، داخل همین گروه قرار گرفته است. دوستان داخل این گروه شوند و مشاهده کنند که آن‌ها چه حرفی می‌زنند. در این گروه معمولاً مباحث «شبکه جهانی ولایت» نقد می‌شود و از کانال‌های دیگر هم مباحث دیگری نقد می‌کنند.

البته دوستان ما کانال و گروهی به نام «ندای شیعه» دارند و رادیو هم دارند. اگر دوستان وارد این گروه شوند، مشاهده می‌کنند که آقایان اهل سنت وارد این گروه می‌شوند و شروع به مناظره می‌کنند.

توصیه می‌کنم وارد این گروه شوید و مشاهده کنید که آقایان اهل سنت در میدان عمل چه حرفی دارند. باید ببینیم قبل از اینکه جواب این دوستان را بخوانیم، اگر از ما سؤال کنند حرفی برای گفتن داریم یا نداریم.

در گروه هرکسی می‌تواند وارد شود. فرق میان گروه و کانال این است که کانال مسدود است، اما گروه باز است. معمولاً تمام طیف‌ها هم گروه دارند و هم کانال دارند. ولی اهل سنت که پرچم دارند، گروه است کانال نیست!

یکی از بچه‌ها در این زمینه به زیبایی کار می‌کند که من یک شب زنگ زدم و از ایشان تشکر کردم. یک کسی هم هست که گروه «منهاج البدعة الأمویة» را دارد، شخص تند و بی‌ادب و فحاشی است و من چند بار به ایشان پیام دادم و حتی یک مرتبه خصوصی به ایشان پیام دادم.

همچنین یکی دیگر از بچه‌های شیعه کانالی به نام «منهاج الكرامة» راه اندازی کرده است. ایشان خیلی مؤدب است و به صورت زیبا، مستند و مستدل کار می‌کند.

ان شاءالله در فرصتی مناسب بعضی از کانال‌هایی که ضرورت دارد تا دوستان با آن آشنا شوند را خواهیم آورد. ما باید ببینیم که در اطراف ما چه می‌گذرد تا اگر زمانی ما با اهل سنت مواجه شدیم چه جوابی به آن‌ها بدهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته